

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

چهاردهمین همایش ملی علمی - فرهنگی خلیج فارس
پانل شماره دو: گردشگری و میراث فرهنگی در منطقه خلیج فارس

گزارش (۶): مدیریت گردشگری در جزایر و سواحل خلیج فارس

برگزارکننده: مرکز گردشگری علمی - فرهنگی دانشجویان ایران
مصاحبه‌کننده و ویراستار: صدرا عمویی
همکاران: حسن دلخوش، سید محمد جاویدان، زینب یوسفی، علی اکبر
اسلامی.

گفتگو با:

دکتر شهرود امیرانتخابی / پژوهشگر و مدرس دانشگاه

نشانی دبیرخانه همایش:

تهران، خیابان انقلاب اسلامی، خیابان فخررازی، خیابان شهدای ژاندارمری شرقی، پلاک

۷۲، طبقه دوم، مرکز گردشگری علمی - فرهنگی دانشجویان ایران

شماره تماس: ۲۲ ۱۲ ۴۹ ۶۶ و ۳۶ ۱۱ ۴۹ ۶۶ - شماره: ۸۶ ۱۵ ۴۹ ۶۶

نشانی: www.istta.ir و www.persiangulf-co.ir پست الکترونیک: info@istta.ir

مقدمه

خلیج فارس مهد فرهنگ‌های گوناگون باقی‌مانده از ادوار مختلف تاریخی است که در ازای تاریخ موجد صلح پایدار میان مردمانی که در سواحل و جزایر آن زندگی می‌کنند، بوده است. این خلیج ایرانی از نظر راهبردی از موقعیت ممتاز و اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است و به علت قرارگیری در مسیر راه‌های دریایی از زمان‌های دور مورد توجه و محل رفت و آمد ملت‌های دریانورد و تجارت‌پیشه شرق و غرب بوده است. به‌طور کلی اهمیت ژئوپلتیک خلیج فارس به خاطر عوامل مهم بازار صدور کالا و تجهیزات نظامی، وجود ذخایر عظیم نفت و گاز و منابع فرهنگی و طبیعی آن است که در قرون اخیر مورد توجه ابرقدرت‌ها و کشورهای بزرگ صنعتی بوده است

برگزاری مداوم همایش ملی خلیج فارس بر تولید و نشر دانش در خصوص مزیت‌های اقتصادی، گردشگری، سیاسی، گردشگری و اجتماعی خلیج فارس و نیز مشکلات زیست‌محیطی و فرهنگی متوجه آن تأکید دارد و جهاد دانشگاهی دبیرخانه همایش ملی خلیج فارس را با شعار پاسداشت هویت تاریخی خلیج فارس و بیان مزیت‌های اقتصادی، گردشگری، سیاسی و اجتماعی خلیج فارس در کنار مباحث هویتی آن تأسیس نموده است و در همه دوره‌های همایش تلاش کرده است تا محورهای جدیدی متناسب با ظرفیت و توانمندی عظیم منطقه خلیج فارس بر همایش بیفزاید. بر همین اساس از دوره‌های یازدهم، شناسایی و معرفی توانمندی‌های اقتصادی، فرهنگی و گردشگری خلیج فارس از موضوعات اصلی همایش بوده است و در این دوره همایش نیز تلاش بر این بوده است تا به موضوعات دیده‌های نو به منظور توسعه پایدار و روابط بین‌المللی و گردشگری توجه ویژه شود.

خداوند بزرگ را سپاسگزاریم که با توجه به شرایط ناشی از شیوع بیماری کرونا «چهاردهمین همایش ملی علمی- فرهنگی خلیج فارس» در راستای همدلی استادان، پژوهشگران، دانشجویان و نخبگان دانشگاهی در بستری علمی و با هدف جلوگیری از ترویج نام‌های جعلی و نیز بیان مزیت‌های خلیج فارس به صورت مجازی و در قالب ضبط گفتگو و نشر آن از طریق اینستاگرام، تلگرام، آپارات و ... برگزار می‌شود. امید است نتیجه گفتگوهای منتشرشده، سخنرانی‌های تخصصی و هم‌اندیشی‌ها درباره این مباحث، به افزایش کمی و کیفی داده‌های علمی در موضوع خلیج فارس منجر شود.

رحیم یعقوب‌زاده

رئیس مرکز گردشگری علمی- فرهنگی دانشجویان ایران و

دبیر همایش

مدیریت گردشگری در جزایر و سواحل خلیج فارس

دکتر شهروود امیرانتخابی*

جناب آقای دکتر امیرانتخابی، امروز که خدمت شما هستیم به واسطه این است که شما دارای تجربه گسترده در حوزه گردشگری و میراث فرهنگی هستید. سعی می‌کنیم در سه یا چهار محور اصلی در مورد مزیت‌های گردشگری منطقه خلیج فارس و مسائل و مشکلات مربوط به آن صحبت کنیم. پرسش اول این است که شما در استان گیلان مدیرکل میراث فرهنگی آن استان بودید و آنجا ساحل دریای خزر را داریم و در جنوب هم ساحل خلیج فارس را داریم. حال با توجه به تجارب علمی و تجارب عملی که در استان گیلان داشتید؛ این سؤال مطرح است که اساساً مدیریت گردشگری سواحل چه نیازها و ضرورت‌هایی دارد؟ مدیریت سواحل به شکل کلی چه ویژگی‌هایی دارد؟ ضمن مقایسه با سواحل شمالی بفرمایید که وضعیت موجود سواحل خلیج فارس چگونه است و شکل مطلوب بهره‌برداری از توان گردشگری خلیج فارس چگونه باید باشد؟

قبل از اینکه به سؤال شما پاسخ بدهم می‌خواهم مقدمه‌ای بگویم که متناسب با بحث ما باشد چون درواقع، همایش درباره خلیج فارس است و خوب است که اول یک ورودی به بحث داشته باشیم و بعد به پرسش‌های حضرتعالی هم

* پژوهشگر و مدرس دانشگاه

** این گفتگو در قالب پانل دوم چهاردهمین همایش ملی علمی - فرهنگی خلیج فارس با عنوان «مدیریت گردشگری در جزایر و سواحل خلیج فارس» در محل سالن شهید صبوری معاونت فرهنگی جهاد دانشگاهی در تاریخ ۹۹/۶/۲ انجام شده است.

موردی پاسخ بدهم. امروز هیچ‌کس منکر نقش حیاتی و جهانی خلیج فارس و منکر نقش وحدت‌بخشی و هویت تاریخی خلیج فارس نیست؛ ولی آن چیزی که خلیج فارس را از منظر گردشگری مهم می‌کند این است که باید یک تغییر نقش را در خلیج فارس و یا سواحلش مشاهده کنیم. وقتی از گردشگری صحبت می‌کنیم یعنی داریم از صلح، دوستی، تعامل با کشورهای منطقه و دنیا صحبت می‌کنیم. متأسفانه امروز منطقه خلیج فارس با مسائل نظامی و امنیتی گره خورده است و ما مشاهده می‌کنیم که اگر دنیا خلیج فارس ما را می‌شناسد، به‌خاطر وجود نفت در خلیج فارس و به‌خاطر جنگ‌های اول و دوم خلیج فارس است که دنیا بر آن متمرکز شده است و یا به علت مسابقه تسلیحانی است که کشورهای منطقه به آن دامن می‌زنند و متأسفانه این‌ها عواملی است که مانع جذب گردشگر در کشورهای حوزه خلیج فارس می‌شود.

کشورهایی در این منطقه مشکلات خودشان را حل کردند و در چهارچوب بحث ما نمی‌گنجند؛ اما چون بحث ما خلیج فارس و حوزه ایران است، می‌خواستم اول به خود خلیج فارس بپردازم و دوم منابع نفتی که در خلیج فارس است و سپس ارتباطش با گردشگری و عوامل بیرونی خارج از منطقه و از جمله نقش دولت‌ها بگویم. مادامی که دولت‌های ما درآمدهای راحت نفتی را بر هر نوع درآمدی ترجیح می‌دهند، طبیعی است که این دولت‌ها به دنبال کسب درآمد از طریق گردشگری و جذب گردشگر نمی‌روند و این معضل کشورهایی است که نفتی هستند و درآمدهایشان به نفت متکی است.

خوشبختانه اتفاقاتی در کشور ما افتاده است و متولیان تصمیم گرفتند که گردشگری را جدی بگیرند؛ اما مشکل کرونا موقتاً مانع این امر شده است و امیدوارم که از این فرصت ما بتوانیم استفاده کنیم و در این فرصتی که جهان تعطیل است، بتوانیم آن موانع را با همفکری دانشگاهیان و تصمیم‌گیرندگانی که در حوزه گردشگری متولی هستند، رفع کنیم.

این موضوع به نظر من بیشتر به بحث سیاست‌های کلی و سیاست‌گذاری‌های دستگاه متولی برمی‌گردد؛ یعنی به وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی که متولی این حوزه است و پس از آن به حدود ۲۲ دستگاهی که در حوزه گردشگری دارای نقش هستند، از جمله به دستگاه سیاست خارجی مرتبط است.

کشورهایی که به سمت گردشگری می‌روند بیشتر هدفشان ارزآوری و کسب درآمد و تولید ثروت برای کشورشان است و معمولاً توسعه گردشگری داخلی را اولویت دوم خود قرار می‌دهند که گرچه عامل مهمی است و باید به گردشگری داخلی اهمیت داده شود؛ اما معمولاً کشورها تصمیم می‌گیرند که شرایط را طوری فراهم کنند که بتوانند گردشگر خارجی جذب کنند.

از منظر سیاست خارجی، دستگاه متولی میراث فرهنگی که دستگاه تصمیم‌گیرنده در این زمینه است تا چه حد با وزارت امور خارجه به‌عنوان متولی سیاست خارجی تعامل دارد؟ یکی از موانع و مشکلاتی که در کشورمان داریم (صرف‌نظر از چهارچوب و سیاست‌های کلی که وجود دارد و خوب تبیین نشده است) این است که ما به‌جای اینکه در سطح منطقه و بین‌المللی بر گردشگری تمرکز کنیم، تمرکزمان بیشتر در داخل است؛ درحالی‌که تمرکز وزارت امور خارجه و وزارتخانه میراث فرهنگی باید در تعامل با کشورهای منطقه و دنیا باشد و کشورهایی که هدف ما هستند.

مسئولان قبل از کرونا چند سفر خارجی برای انعقاد تفاهم‌نامه یا قرارداد با کشورهای دیگر برای توسعه گردشگری داشتند؟ اما در مورد سفرهای درون‌استانی می‌بینید که تمام استان‌های ما در صف هستند تا آقای وزیر تشریف ببرند و تأسیسات گردشگری مثل هتل، هتل آپارتمان و مراکز بوم‌گردی را در آنجا افتتاح کنند. این‌ها مهم هستند، زیرساخت‌ها مهم هستند؛ ولی هنوز ما مشکل خودمان را در آن طرف مرزها حل نکردیم و مشخص نکردیم که این زیرساخت‌هایی که آماده می‌کنیم، برای گردشگران داخلی خودمان است یا

برای گردشگران خارجی؟ حالا من به نوع و جنس گردشگری هم ورود می‌کنم که با توجه به ماهیت گردشگری که در کشور ما هست و ماهیتش فرهنگی است دنبال چه کشورهای هدف باید باشیم.

می‌خواهم در حوزه خلیج فارس متمرکز بشوم؛ با تمرکز بر استان‌های جنوبی کشور و انواع گردشگری چون گردشگری دفاع مقدس، گردشگری سلامت، گردشگری تاریخی و فرهنگی با توجه به مثلاً بندر تاریخی سیراف با نوع معماری شهری که در بندرگنگ وجود دارد یا بافت تاریخی بوشهر که به لحاظ میراثی ارزشمند است. اساساً مقاصد گردشگری در سواحل دریای خلیج فارس چه هست که ما بتوانیم سیاست‌گذاری کنیم؟ اول باید این‌ها را احصا کنیم؛ ولی متأسفانه یک سنتی در کشور ما وجود دارد و این است که به محض اینکه بحث گردشگری می‌شود، هم مسئول و هم غیرمسئول، همه، اظهار نظر می‌کنند و شروع می‌کنند به اینکه گردشگری در حوزه خلیج فارس مهم است، منطقه خلیج فارس جاذبه‌های زیادی دارد و بدین ترتیب شروع می‌کنند به تعریف کردن و همه این‌ها حالت شعاری دارد؛ سواحل بکر و زیبا داریم، کوه آن‌چنانی داریم، دریای نیلگون داریم، زیر دریا این‌ها را داریم، روی دریا آن‌ها را داریم که حتماً همه این‌ها را داریم؛ اما چرا توجه‌ای که باید به این منطقه بشود، این قدر ناچیز است؟

ما هنوز در مبانی نظری و نظام اندیشه‌گی مان نسبت به گردشگری مشکل داریم. درست است که سواحل ما خیلی بهتر از سواحل کشورهای عربی خلیج فارس است؛ اما آیا ما می‌توانیم ورزش‌های دریایی و گردشگری دریایی را آن‌جوری که آن‌ها مدنظرشان هست، مهیا کنیم؟ ما باید واقعیت را در نظر بگیریم. در بحث گردشگری خیلی از مسئولان که اتفاقاً به نظرم پست‌های آن‌چنانی نداشتند؛ یعنی بی‌ارتباط با مسئله گردشگری بودند، گفتند مثلاً در فلان دریا، دریای خزر یا حوزه خلیج فارس کشتی کروزر بیاوریم و...؛ اشکالی ندارد، این‌ها برای تجویز داخلی هستند و خیلی خوب است که مردم ما استفاده

کنند؛ اما پرسش مهم این است که آیا توسعه گردشگری دریایی در حوزه خلیج فارس برای جذب گردشگر خارجی جواب می‌دهد؟

میزان سرمایه‌گذاری کشورهای خارجی در حوزه خلیج فارس چقدر بوده است؟ دست‌کم ما می‌توانیم بگوییم که در دولت یازدهم که ما علم گردشگری را برافراشتیم و به علت آنکه برجام در دولت دوازدهم اتفاق افتاد، گفتیم که یکی از مهم‌ترین اولویت‌های توسعه دولت تدبیر و امید بحث گردشگری است و فرصت هم داشتیم، حال در این حوزه چه کار کردیم یا در حوزه جذب گردشگر خارجی چه اقدامات خارق‌العاده‌ای انجام دادیم؟

می‌توانیم از جزایر موجود در خلیج فارس چون کیش، قشم و این‌همه جزیره که ما در حوزه خلیج فارس داریم، استفاده کنیم و گردشگران منطقه و دنیا را جذب کنیم و درعمل می‌بینیم که میزان ورود گردشگران خارجی به جزایر ایرانی حوزه خلیج فارس چقدر کم بوده است. این اعداد آیا قابل توجه است؟ آیا آن چیزی که در افق سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ ما برای گردشگری متصور هستیم، در این شرایط قابل احصا است؟ می‌بینیم که نه سرمایه‌گذاری قابل‌اعتنایی بوده است و نه ورود گردشگران خارجی.

در صحبت‌هایتان درباره تجربه گیلان پرسیدید. استان گیلان هم مزیت‌های خوبی دارد. اگر از خود مردم گیلان یا خیلی از مسئولان و متولیان بپرسید می‌گویند که چرا وضعیت به این صورت است. درحالی‌که ما در این استان کوهستان‌های به این زیبایی و جنگل‌های بوسرسبز و دریا و آب‌وهوای خوب داریم. پس چرا در جذب گردشگر خارجی هیچ اتفاقی نیفتاده است؟

من آماری خدمت شما بدهم: میزان گردشگران خارجی از سال ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۶ که با هواپیما وارد فرودگاه سردار جنگل رشت شده است ۳۰۳ نفر بوده که طی چهار سال وارد شده‌اند. سالانه حدود ۵۰۰ هزار نفر از اتباع جمهوری آذربایجان را هم به‌عنوان گردشگر محاسبه می‌کنند که می‌آیند و این‌ها از نظر ما گردشگر محسوب نمی‌شوند؛ چون اصلاً اقامت ندارند. یعنی اینکه ما هیچ

برنامه‌ریزی یا هیچ سیاست‌گذاری در استان گیلان برای جذب گردشگر خارجی نداشتیم و یا اینکه اصلاً برایمان مهم نبوده که گردشگر خارجی می‌آید و همین تعداد گردشگر داخلی که تعدادش در سال گذشته ۵۰ میلیون نفر شب اقامت بوده است. علی‌رغم اینکه خیلی از دوستان ما می‌گویند که گردشگری داخلی خیلی مهم است؛ ولی می‌بینیم که این نوع گردشگری هیچ منفعتی و تغییر و تحولی در استان ایجاد نمی‌کند؛ اما باید واقعیت را قبول کنیم که هیچ کشوری برای صنعت گردشگری برای ارزآوری و تولید ثروت به دنبال توسعه گردشگری داخلی نمی‌رود، هرچند گردشگری داخلی مهم است و مردم ما هم باید از امکانات لازم برخوردار باشند.

می‌بینیم که استان گیلان با این وضعیت آب‌وهوایی طبیعی و شرایطی که دارد، هیچ گردشگر خارجی قابل‌اعتنایی جذب نکرده است، علتش چیست؟ این منطقه در دنیا باید دیده بشود. ما در استان گیلان یک اثر ثبت‌شده جهانی نداشتیم که دنیا آن را بشناسد. ماهیت توره‌های گردشگری که وارد کشور ما می‌شوند، مشخص است. اگر به فارس، یزد یا جاهای دیگر می‌روند به علت این است که در آنجا آثار ثبت‌شده جهانی داریم. ماهیت گردشگری در کشور ما فرهنگی و تاریخی است و طبیعی است که به آن مناطق بروند. خوشبختانه در حال حاضر در استان گیلان یک روستا داریم به نام روستای قاسم‌آباد که به ثبت جهانی رسیده است و خوشبختانه پرونده شهرک تاریخی ماسوله آماده شده است و انشالله ثبت جهانی می‌شود و جنگل‌های هیرکانی که به ثبت جهانی رسیده است؛ یعنی این سه مزیت هستند که در آینده اگر بحران کرونا از بین برود، می‌توان امیدوار بود تا گردشگران برنامه‌ریزی کنند و به این استان سفر کنند. در دنیا هیچ گردشگری به صورت اتفاقی جایی نمی‌رود، همه با مطالعه می‌روند؛ چون واقعاً این سبد هزینه‌ای که گردشگران برای سفرشان در نظر می‌گیرند، حساب‌شده است و این‌جوری نیست که کسی مثل مارکوپولو و گردشگرانی که قبلاً در دنیا وجود داشتند بروند اتفاقی دنیا را بگردند

یکی از مزیت‌های خلیج فارس وجود قابلیت‌های ویژه برای گردشگری سلامت است؛ البته از منظر گردشگری پزشکی تگناهای زیادی در این منطقه وجود دارد. نظر و تحلیل شما در این باره چیست؟

در پاسخ سؤال شما می‌توانم فقط این را بگویم که مزیت ما در گردشگری سلامت موقتی است؛ یعنی اینکه ما برای مادام‌العمر این مزیت را نداریم که بتوانیم از این فرصت استفاده کنیم. خیلی از استان‌های دیگر در کشورمان به پیشرفت‌هایی در این زمینه رسیده‌اند؛ اما استان‌های همجوار خلیج فارس هنوز در این زمینه عقب مانده‌اند.

در خراسان مراجعانی از کشورهای افغانستان، ترکمنستان یا بعضاً پاکستان را داریم که به بیمارستان‌های ما در مشهد و خراسان رضوی مراجعه می‌کنند به‌خاطر امکانات پزشکی خاصی که در مشهد وجود دارد؛ اما در خوزستان علی‌رغم وضعیتی که کشور عراق دارد و ما می‌توانیم از این مزیت استفاده کنیم، چقدر توانسته‌ایم گردشگران سلامت را از این کشور جذب کنیم؟ با توجه به مرزهایی که با کشورهای مختلف داریم ما می‌توانیم روی این گونه از گردشگری سرمایه‌گذاری کنیم و این یک فرصتی است که ما باید رویدادمحور از آن استفاده کنیم. یکی از مهم‌ترین آفاتی که در بحث گردشگری سلامت وجود دارد، این است که بین دستگاه متولی یعنی به‌عنوان آن عقل کل و عقل تصمیم‌گیرنده و استان‌های ما ارتباط تنگاتنگی به لحاظ سیاست‌گذاری وجود ندارد؛ یعنی استان‌ها رها هستند و چون تجربه کردم عرض می‌کنم. یعنی اگر دستگاه متولی از استان چیزی می‌خواهد فقط در چهارچوب زیرساختی است و در چهارچوب سیاست‌گذاری نیست. وزارتخانه می‌گوید که شما چرا دنبال تسهیلات نیستید که به هتل‌ها بدهید که در اینجا منظور از دستگاه متولی وزارت میراث فرهنگی است و در گردشگری سلامت وزارت بهداشت و

میراث فرهنگی متولی هستند؛ اما اراده‌ای وجود ندارد که دو دستگاه وزارت بهداشت و وزارت میراث فرهنگی در استان‌ها بنشینند و این مشکل را حل کنند. در این خصوص بارها صحبت شده است و استان‌هایی بوده‌اند که درگیر این مسئله هستند و اعلام آمادگی کردند؛ اما متأسفانه در حد همان دلالتی چند مریض متوقف شده است. متأسفانه الان بسیاری از بیماران کشورهای مثل افغانستان برای درمان به اسرائیل می‌روند و حتی اسرائیل هواپیما چارتر می‌کند از افغانستان می‌برد و در اسرائیل درمان می‌کند و بر می‌گرداند و قیمتش خیلی پایین‌تر از آن چیزی است که در مشهد است. افغانستانی‌ها فارسی بلد هستند و ایران را کشور دوم خودشان می‌دانند و خیلی راحت‌تر هستند؛ اما متأسفانه می‌بینیم که این بازار هم در حال از دست رفتن است.

ببینید چه اتفاقی دارد می‌افتد؟ کشورهای دیگر این بازارها را از دست ما خارج می‌کنند، در جمهوری آذربایجان، عراق و ارمنستان و جاهایی که جامعه هدف ما در حوزه گردشگری سلامت هستند، در دو سه سال آینده جایگاه ما را در این حوزه خواهند گرفت، اگر نتوانیم سیاست گذاری کنیم و رویداد درست تعریف کنیم، اگر این به صورت متمرکز برنامه‌ریزی نشود و از استان‌ها نخواهند و همین‌جوری استان‌ها رها شوند و جزیره‌ای عمل کنند، قطعاً این فرصت گردشگری سلامت را که همگان اذعان دارند که درآمدش چندین برابر درآمد حاصل از ورود گردشگر عادی است، به راحتی از دست خواهیم داد. در واقع، باید گفت سایر انواع گردشگری مزیت ما نیستند، درست است که گردشگری دفاع مقدس در خوزستان مزیت ما است؛ اما هنوز برای جذب گردشگری خارجی در این زمینه فاصله داریم. امروز خانواده شهدا نباید در وضعیت بدی به لحاظ معیشت باشند، از همان گردشگری دفاع مقدس درآمدهایی می‌توانیم کسب کنیم که اگر اغراق نکنم می‌توانم بگویم یک سوم درآمدهای را که برای صنعت گردشگری متصور هستیم، می‌توانیم از گردشگری دفاع مقدس کسب کنیم.

متأسفانه چون آمار درستی وجود ندارد و برنامه‌ریزی نشده است گردشگری ما اتفاقی اداره می‌شود. طی یک موجی پنج میلیون گردشگر می‌شود هفت میلیون گردشگر و همه فکر می‌کنند که ما برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری کردیم. در گیلان که بودم می‌گفتم مگر ما برنامه‌ریزی کردیم که هفت میلیون گردشگر وارد استان گیلان شود؟ خیر! این‌گونه نیست و مردم در ایام اوقات فراغتشان به غیر از دریا چیزی ندارند.

یکی از دغدغه‌هایی که در سال‌های اخیر بوده است و هیچ‌وقت هم به نتیجه نرسیده است، بحث مدیریت یکپارچه بنادر و سواحل بوده است، به نظر شما اگر این‌ها محقق شود به نفع گردشگری هست یا به ضرر آن؟ تجارب جهانی در این مورد چه می‌گوید؟

اساساً باید ببینیم که گردشگری دریایی یا سواحل در چهارچوب گردشگری ما می‌گنجد؟ اگر ما از گردشگری صحبت می‌کنیم باید در خصوص چگونگی جذب گردشگر خارجی صحبت کنیم، وقتی سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی می‌شود، ما دنبال آوردن چه کسانی در سواحل خود هستیم؟ در دریای خزر هم پیشنهاد داشتیم که در دریای خزر بازی‌های خاصی آورده شود که در همه‌جای دنیا معمول است، این‌ها بحث‌های رقابتی در دنیا هستند

الان در استان‌ها پنجره واحد واقعاً به وجود آمده است، یعنی علی‌رغم اینکه مشکلات زیادی در عرصه‌های ملی وجود دارد و سواحل مشکل دارند، یک سری نهادها آمده‌اند سواحل را گرفته‌اند و پاکسازی نشده است؛ اما این پنجره واحد بین دستگاه‌های اجرایی به وجود آمده است و سعی شده است مشکلات به حداقل برسد. من می‌خواهم از افق آینده حرف بزنم که واقعاً در استانی مثل گیلان هیچ تصور روشنی از راه‌اندازی گردشگری دریایی برای جذب گردشگران خارجی نمی‌بینم. ببینید بالاخره در یک نظام اسلامی با یک چهارچوب خاصی زندگی می‌کنیم و اگر می‌خواهید یک نوع از گردشگری را راه‌اندازی کنید و

توسعه بدهید باید الزامات آن کار را فراهم کنید. در حال حاضر سالیانه یازده میلیون گردشگر روسی به ترکیه می‌روند و در سواحل جنوبی ترکیه شنا می‌کنند، یک اتفاقی بین ترکیه و روسیه بیفتد و بین آن‌ها روابط تیره شود ما چند نفر از این یازده میلیون گردشگر خارجی را می‌توانیم جذب سواحل خودمان بکنیم؟ چند نفر از این‌ها ترجیح می‌دهند بیایند دریای خزر و سواحل خلیج فارس اوقات فراغت خودشان تفریحات خودشان را بگذرانند؟ واقعیت را باید در نظر بگیریم یعنی واقعیت با توجه به چهارچوب‌هایی که ما داریم، ما نباید دنبال سرمایه‌گذاری در این حوزه برویم، کما اینکه بخش خصوصی عقل لازم را دارد و اگر واقعاً احساس می‌کردند که سرمایه‌گذاری در این حوزه جواب می‌دهد الان خیلی‌ها سرمایه‌گذاری کرده بودند؛ پس چرا هیچ سرمایه‌گذاری در دریای خزر یا در حوزه خلیج فارس اتفاق نمی‌افتد و سرمایه‌گذاری آن‌چنانی نمی‌شود؟ یعنی هرچه هست یک چیزهای محدودی است که گردشگران داخلی دارند استفاده می‌کنند و سرمایه‌گذاران به سود لازم خودشان می‌رسند، بحث گردشگری یک بحث کلان بین‌المللی است. شرکت‌های زنجیره‌ای بین‌المللی حضور پیدا می‌کنند چون مرتبط با ثروت جهانی است که دنیا و منطقه را درگیر خودش می‌کند و درآمدهای میلیاردی اتفاق می‌افتد، به نظر من ساده‌لوحانه خواهد بود که اگر ما بگوییم که ما می‌خواهیم در خلیج فارس چنین چیزهایی راه‌اندازی کنیم و در پنج سال آینده این اتفاق خواهد افتاد مگر اینکه فهم درستی را از مسئله گردشگری و چهارچوب‌های گردشگری که مرتبط با مسائل فرهنگی و مذهبی است، نداشته باشیم. ما در این حوزه اگر سرمایه‌گذاری کنیم و تمرکزمان روی گردشگری سلامت، گردشگری فرهنگی و گردشگری مذهبی باشد به ارزآوری می‌رسیم؛ اما داریم پراکنده‌کاری می‌کنیم، حتی بسیاری از تصمیم‌گیرنده‌ان ما هم هنوز نمی‌دانند ما کجای کار هستیم و باید روی چه چیزی سرمایه‌گذاری و برنامه‌ریزی کنیم.

اگر چهارچوب‌ها را بدانیم و در قالب چهارچوب‌ها عمل کنیم مطمئناً به نتیجه می‌رسیم و نباید هم هنجارشکنی کنیم چون اگر هنجارشکنی کنیم کل کار زیر سؤال می‌رود و برمی‌گردیم به نقطه سر خط که هر گردشگر به‌مثابه یک جاسوس است و حالا شما باید مشکل را از اول حل کنید.

برای پایان گفتگو در مورد دو موضوع به شکل مشخص صحبت کنیم؛ موضوع نخست موضوع مناطق آزاد است و به واسطه تجارب جهانی، در کشور ما به سمت تأسیس مناطق آزاد آمدند، به نظر شما کارکرد مناطق آزاد مخصوصاً در بخش گردشگری چیست و اگر قرار است واقعاً در آینده اثربخش باشند، چه شکلی به خودش بگیرد بهتر است؟

در حال حاضر که من اصلاً مناطق آزاد را جدا از مناطق دیگر نمی‌دانم؛ یعنی ما در استان گیلان هم منطقه آزاد داریم و در خلیج فارس هم منطقه آزاد داریم، در خوزستان و در بعضی جاهای دیگر کشور هم داریم؛ ولی این به معنای این نیست که واقعاً در آنجا یک سری سیاست‌گذاری‌هایی انجام می‌شود که در منطقه غیرآزاد انجام نمی‌شود. واقعاً فعلاً شرایطش وجود ندارد و یا هیچ اقدامی انجام نداده‌اند، طرح منطقه آزاد ممکن است به لحاظ تجاری یک سری مزیت‌هایی را برای این منطقه داشته باشد؛ اما بعید می‌دانم که بتوانند خارج از چهارچوب‌هایی که داریم منطقه آزاد بتوانند کاری را در حوزه گردشگری انجام بدهد.

در ترکیه بعضی از جزایر و مناطقی هستند که خود ترک‌ها هم اجازه ندارند به آنجا بروند چون شرایط را به گونه‌ای تنظیم کرده‌اند که خدماتی را که برای گردشگران ارائه می‌دهند، خود ترک‌ها هم قبول ندارند که این خدمات ارائه شود و با واکنش روبه‌رو می‌شوند؛ ولی آیا ما در مناطق آزادمان می‌توانیم چنین خدماتی را ارائه بدهیم؟ و آیا خدمات مناطق آزاد ما جدا از چهارچوب‌های نظام ما هستند؟ قطعاً این‌طور نیست. خیلی از تورهایی که وارد ایران می‌شوند، با

تورهای غیرمجاز کار نداریم، تورهای مجازی که مجوز دارند اکثراً در پنجشنبه و جمعه دچار مشکل هستند، پاسگاه‌ها جلوی آن‌ها را می‌گیرند، نیروی انتظامی جلوی آن‌ها را می‌گیرد؛ چرا خانم‌ها با آقایون داخل اتوبوس هستند؟ چرا در یک روستایی شما وارد شدید این مسئله را رعایت نکردید؟ چرا در فلان بوم-گردی که داخل فلان روستا هست، گردشگر صدایش بالا رفت؟ این‌ها یک سری الزامات و پیوست‌های فرهنگی است که در سیاست‌گذاری‌ها باید رعایت شود. یکی از کارهای اشتباهی که می‌کنیم این است که وقتی زیرساخت‌ها را توسعه می‌دهیم می‌گوییم که شما بروید تسهیلات بگیرید، کاری کنیم هتل ساخته شود، توسعه اقامتگاه‌های بوم‌گردی اتفاق بیفتد؛ اما در مقابل مسئله آموزش تعطیل است و هیچ نیروی انسانی متخصص که سرمایه اول صنعت گردشگری است را در اختیار نگرفته‌ایم. روی این هیچ فکری نکردیم، مجوزهایی که به دفاتر خدمات گردشگری به‌عنوان مغز متفکر و برنامه‌ریزی گردشگری هستند، داده می‌شود، می‌بینید که خیلی از آن‌ها اصلاً هیچ برنامه‌ای برای تورهای ورودی در استان‌های مختلف ندارند یا تأسیسات ما هیچ کدامشان استانداردسازی نشده است. شما اگر وضعیت موجود هتل‌های ما را بررسی کنید، اگر دستگاه متولی دستور دهد و اجبار کند که استانداردسازی انجام شود ممکن است اقداماتی بشود تا ستاره‌ای برای هتل گرفته شود. دستگاه متولی به دنبال این موارد است؛ اما برنامه‌ریزی و سیاست‌های کلی و پیوست فرهنگی را چه کسی باید انجام دهد؟ از آن سیاست‌گذاری غافل است و به‌خاطر همین است که مهم‌ترین آسیبی که صنعت گردشگری می‌بیند، این است که هنوز استان‌های ما به مقصد گردشگری تبدیل نشده‌اند؛ اما هتل‌های چهار و پنج ستاره ساخته‌اند، رفتند اقامتگاه بوم‌گردی ساختند بدون اینکه بدانند اصلاً در این استان چند ماه قابلیت جذب گردشگر داخلی را دارد چه برسد به گردشگران خارجی، به محض اینکه تسهیلات گرفتند و ایام نوروز و تابستان تمام شد خیلی از آن هتل‌ها و بوم‌گردی‌ها در پرداخت تسهیلاتی که پرداخت

کردند با مشکل مواجه شدند بزرگترین مشکل ما در استان‌ها این است که یک کارگروهی داریم با عنوان رفع موانع تولید، خوب چه کسانی می‌آیند؟ هتل‌دار- هایی می‌آیند که نتوانستند قسط‌هایشان را بدهند، بوم‌گردهایی می‌آیند که در پرداخت اقساط مشکل دارند چرا؟ به علت آنکه قبل از اینکه منطقه را تبدیل به مقصد گردشگری کنیم بدون برنامه رفتیم زیرساخت را درست کردیم، زیرساخت در صنعت گردشگری شرط لازم هست؛ ولی شرط کافی نیست یعنی به این معنی نیست که ما از اول برویم همه چیز را درست کنیم و بعد برویم دنبال گردشگری که متأسفانه ما از این طرف قضیه را می‌بینیم.

به‌عنوان پرسش آخر، شما نقش دانشگاهیان را در کمک به توسعه پایدار گردشگری در خلیج فارس و اثربخش بیشتر فعالیت‌ها و اقدامات در چه می‌دانید؟

یکی از اقداماتی که خود شما در مرکز گردشگری علمی فرهنگی دانشجویان ایران انجام دادید همین برگزاری همایش ملی خلیج فارس است و می‌دانم که مخاطبان شما اکثراً استادان و دانشگاهیان و صاحب‌نظران هستند. بنده در چند دوره این همایش‌ها بودم و بحث‌های خیلی خوبی انجام دادید؛ اما این چهارده دوره‌ای که انجام شده است، همیشه همایش‌های ملی بوده و خیلی خوب است که ما همایش‌هایمان را در سطح منطقه‌ای و جهانی برگزار کنیم، بالاخره این‌ها یک سری الزامات دارد و یک سری سختی‌ها دارد؛ ولی با توجه به ویژگی‌هایی که منطقه خلیج فارس دارد، شدنی است و این اتفاق وقتی می‌افتد که واقعاً مراکز پژوهشی و دانشگاهی برای متولیان و تصمیم‌سازان مهم باشند. دولت یازدهم و دوازدهم برآمده از یک مرکز پژوهشی بوده که اعتقاد به پژوهش داشته است و خیلی از کارهای اولیه‌اش بر اساس کارهای پژوهشی بوده که در طی سالیان پژوهشگران حوزه‌های مختلف انجام داده بودند؛ اما از یک مقطع زمانی به بعد ارتباط بین قسمت‌های مختلف دولت با دانشگاهیان و پژوهشگران

قطع شد، ما انتظار داشتیم که دست‌کم در دولت یازدهم و دوازدهم مراکز و پژوهشگاه‌های مختلفی فعال شوند و از بین نروند. حالا به دلایل بحث‌های بودجه‌ای و یا اینکه اصلاً اعتقادی به پژوهش وجود ندارد، خیلی از این مراکز پژوهشی ما منفعَل شدند و از بین رفتند و ما می‌بینیم که بعضی از این مراکز که سابقه طولانی دارند و توانستند خودشان را حفظ کنند، اندک است. ما در وزارت میراث فرهنگی پژوهشگاه میراث فرهنگی داریم با یک بودجه جداگانه‌ای از وزارتخانه؛ اما این پژوهشگاه تا چه حد توانسته به کمک وزارتخانه بیاید و بازوی فکری وزارتخانه میراث فرهنگی باشد؟ بالاخره این‌ها باید خوراک فکری بدهند به وزیر محترم و معاونین محترم وزارتخانه و بتوانند از این چالش‌هایی که وجود دارد و متأسفانه جدی هم هست، خودشان را نجات بدهند این پژوهشگاهی برای یک وزارتخانه است. ما پژوهشگاه‌های مختلفی داریم و صاحب‌نظران زیادی هم داریم که در بخش‌های خصوصی سازمان‌های مردم‌نهاد فعالیت می‌کنند، برای اینکه ما بتوانیم صدای این‌ها را بشنویم خیلی خوب است که مرکزی وجود داشته باشد و از همه آن‌ها دعوت به عمل آید و از این فرصت استفاده شود. در بحث گردشگری صاحب‌نظران زیادی صحبت‌های قابل اعتنا و خوبی دارند مخصوصاً بخش خصوصی به‌خاطر اینکه درگیر هستند و با پوست و استخوان خودشان گردشگری را درک می‌کنند، باید حتماً حرف‌های این‌ها را شنید؛ اما متأسفانه همه این‌ها در حد چند جلسه مورد توجه قرار می‌گیرند و به نتیجه‌ای منجر نمی‌شود؛ یعنی کاربردی و ملموس نیست و ما خروجی خاصی را نمی‌بینیم.